

بیایند و بر خاک ما بگذرند

مبجان الله قلم مودائی مزاج چون دیوانه باهر آسفا و بیگانه خشکی
 و خنکی کرد و هر قطره مودا که در مویدا داشت از کاسه^(۲) دل فرد
 ریخت و هر چه بر زبان آمد از جداول انامل برون داد تا آیددگانی
 که درین نقش زاغ پای کج کلا و دیده^(۳) از هر جائی کجگا^(۴) و (۵) شوند
 چه گویند و جواب این بی صرنگیها چه باشد و می ترسد که
 بموجب کماندین تدان - با من نیز همین معامله کند • فر •

مرا تو عهد شکن خوانده و می ترسم

که با تو روز قیامت همین عتاب رود

اما اینجا فرقیست دقیق اگر دقیقه شناسان فرو گذاشت ندمایند
 و آن این است که آنرین و نفرین من همه بدستوری شرع
 مدین و مدح و ذم بتقریب تعصب در دین امت و حال من بآن
 میمانند که مردی ناشناسی در مجلسی که مایده در آن نهاده بودند
 در آمد و بی محابا خوردن گزنت و همه طبقات را پیش خود
 نهاد یکی از آن میان پرسید که بابا چه کمی تعدی در شرکت
 چیست گفت ترکم و نوکر داروغه و اشتها دارم - اگر دیگران را نیز
 در دین دامنگیر شود هیچ مضایقه نیست بسم الله بلکه جان
 فدای آن جماعه که مرا بر عیب من مطلع سازند و الا مری در
 گریبان فرو برده دم در کشند و در حقیقت مرغ تیز مقدار بلند
 پرواز من حکم دابة الارض دارک که رتم هذا معلم و هذا کانر - بر

پیشانی احوال آخر زمانیان می نهد و یکی را برحمت و دیگری را به لعنت موافراز و ممتاز می سازد و حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم باین معنی ناطق است که اللهم ما صلیت من صلوٰة فعلی من صلیت وما لعنت من لعن فعلی من لعنت - نقل امت که آن سرور صلی الله علیه وسلم ما طلع الشمس و القمر تا یک ماه تمام بعد از قنوت فجر بر مشرکان عرب و صدائید قریش بخصوص نام برده دعای بد میگرد و میفرمود که اللهم العن الکفرة الذین یصدون من مبدلک و یکنبون رسلك و یقاتلون اولیاءک انت ولی فی الدنیا و الآخرة اللهم توفنی مسلماً و احقنی بالصالحین - و چون نهایت رجوع بددایت امت اگر درین زمان غریبت دین که بدأ الدین غریباً و سيعود كما بدأ - همین دعا ورد زبان سازند گنجایش دارد و صاحب مرصاد العباد پیش ازین بچهار صد سال نالیده و گفته •

• رباعی •

شاهان جهان بجمگی بشتابید

تا بوکه بقید ز دین در یابید

اسلام ز دست رفت پس بی خبرید

بگرفت جهان کفر و شما در خوابید

اللهم انصر من نصر دین محمد و اخذل من خذل دین محمد و چون برخلاف داب ارباب تصانیف و تالیف که از هرگونه مصنف خویش صد چشم احسان از زمان و زمانیان دارند و بنام یکی مدیل ساخته آن را وسیله تقرب ملوک و احتجاب منافع و تحصیل مقاصد میگردانند این نوباره را بی طمع و توقع مستعدنا

بالله و متوكلا عليه و متقربا بذيل لطفه العميم و فضله القديم محض
 از برای خاطر جماعت مستعجب مستغرب از آیندگان که طالب و
 راغب استطلاع بر احوال زمان ما خواهند بود بر طبق گفتار نهاده
 آمد تا باشد که ازان لذتی در کام جان ایشان رسد و ذوقی از ریزه
 خوان احسان ایشان نصیبه مذاق جامع که حکم باغبانی دارد
 نیز گردد * * بیت *

اگر شراب خوری جرعه نشان بر خاک

ازان گناه که نفعی رسد بغیر چه باک

چه باعث اصل بر جمع این خرف ریزه آن بود که چون تغیر
 احکام و اوضاع که درینولا سمت وقوع یافته و درین مدت هزار سال
 نشان نمیدهند و از اهل اصلا و انشا آنکه قدرت وقایع نویسی داشته
 و در کلمه مربوط میتواند نوشت یا بجهت خوشامد اهل زمان یا از
 ممرتوس ایشان یا بتقریب عدم اطلاع مقالات با مور دین یا
 بواسطه دوری از در خانه و اغراض فاسده دیگر حق پوشی کرده
 و دین را بدینیا و هدیی را بضلالت فروخته باطل را بصورت حق
 جلوه داده و کفریات و مشویات را بتذویل و تسویل مستحسنات نموده
 دلیل بر حقیقت آن گذرانیده - *اُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَاةَ*
بِالْهُدَىٰ مِمَّا رَبَّحْتَ تِجَارَتَهُمْ - و یقین امت که اهل قرون آتیه که
 این خرافات باطل و تطویلات لا طایل را خواهند دید بموجب من
 یسمع بحل مستغنی - و جمعی دیگر (؟) متحسر لا اقل متردد و متوقف
 و منتظر خواهند ماند بذابرا آن بجهت کشف غطا این کس را [که
 پاره ازین معاملات واقف و در عین کار و بار داخل بود] ضرورت شد

که سرئیات و مرویات را که ناشی از عیان و یقین نه گمان و تخمین
بود در قلم آورد چه

• ع •

شذیذه کی بود مانند دیده

تا هم کفارت کتابت قسری و ارادی سابق و لاحق کرده و هم

حقی بر اهل احلام ثابت و بر خود رهم کرده باشد • فرد •

مگر صاحب دلی روزی بر همت

کند در کار این مسکین دعائی

و چون نیک می نگرم این مسوده و دیگر مسودات حکم بیاضی

دارد که نبدی از معلومات دران درج شده چه مبصرات و چه

مسموعات جامع را شامل است بحکم آنکه • بیت •

سخن را بزوک قلم بند کن

که ناگه ز مردم گریزد سخن

در قید کتابت آورده شد پس اطلاق تصنیف یا تالیف برو از روی

انصاف جز لاف و گزاف که منافعی میرت اشراف امت نتواند

بود و مرا ازان شرم باد تا بمباهات و مفاخرت چه رمد و اگر بلند

پروازی کنم همین نقد ناقص عیار و متاع بی قیمت و بیهقدار

و عبارت قاصر بی اعتبار برای تکذیب و تزئیف دهوی من

بص امت •

• ع •

مرا نداند ازان گونه کس که من دانم

حکایت بر مجیل تمبیل

رویی گفت با شتر که عمو • از کجا میرسی تو راحت بگو

میروم گفت اینک از حمام * شسته ام ز آب گرم و سرد اندام
 گفت آری که شاهد اینست * بص بود دست و پاهای چرکینت
 اکنون وقت آنست که دست نیاز بدرگاه کارماز بی نیاز بنده نواز
 برداشته آنچه اصلح حال باشد با آنکه بران حضرت هیچ اصلح
 واجب نیست بلکه تفضل است بخواند و اکتفا بمناجات که از
 تصنع و تکلف دور و باجابت نزدیک است نماید *

مناجات

پادشاهان بنظر رضا و رحمت بر ما نگر، خداوند ظاهر و باطن ما را
 در طلب رضای خود جمع دار، تفرقه و پریشانی و سرگردانی از راه
 ما و همه مسلمانان بردار، عفو و عافیت قرین وقت ما کن، عنایت
 و هدایت را مایق و قاید ما گردان، ما را بدست تفرقه ما باز مده،
 ما را بما باز مسپار، ما را بما مگمار، ما را از شر ما نگاهدار، و کار ما
 و همه مسلمانان در عافیت و رضای خویش باصلاح آر، کرده را در
 گذار و آینده را نگاهدار،

هر چه بخشی به بنده دینی بخش
 با رضای خودش قرینی بخش
 ما را بقر خود معذول مکن، ما را بدون خود مشغول مگردان، ما را
 از یاد خود معزول مهاز، اگر پرمی حجتی نداریم، و اگر بصورتی
 طاقتی نداریم، از بنده خطا و زلت، و از تو همه عطا و رحمت، ای
 قدیم لم یزل، و ای عزیز بی بدل - یا لطیف یا خبیر، یا جمیع یا
 بصیر، یا من لا یحتاج الی الدیان و التفسیر، خطا لنا کثیر، و انت

عالم پنا و بصیر، و اختم لذلک بخیر و توفنا مسلمین، و الحقنا بالصالحین،
 و صل علی محمد و علی آل محمد و علی جمیع الانبیاء والمرسلین
 و بارک و علم • • مثنوی • •

صرا پا ز عصیان مرا پیش بین • • مبین جرم ما رحمت خویش بین
 نگهدار از من بسک روزگار • • ز هر بد که باشد مرا دور دار
 چنان کار دنیا و دینم بساز • • که از هر دو عالم شوم بی نیاز
 با لطافت خود داریم در امان • • ز آفات و آشوب آخر زمان
 بر آری مراک من مستمند • • ز دنیا و دین ما زیم بهره مند
 مکن در کف نفس بیچاره ام • • امان بخش از نفس اماره ام
 تمنا کنانم مبر پیش کس • • تمنای من از در تست بهس
 ز کسب حلال بده توشه • • ز خالق جهان گیریم گوشه
 گناهیم بپا سرز و پوشیده دار • • که هم ستر پوشی هم آموزگار
 ز فیض ازل بخش آگاهیم • • خلاصی ده از جهل و گمراهیم
 نگهدارم از صحبت ناکسان • • بصاحب دای اهل دردی رسان
 هوی خویش کن روی برده مرا • • خلاصی ده از ماسوی الله مرا
 مکن بر مرادی مرا کماکار • • که خجالت مرا در مرا انجام کار
 نداند کسی جز تو بهبود من • • تو دانی زیان من و سود من
 غمی کن ز گنج قناعت مرا • • حضوری ده از ذوق طاعت مرا
 مکن بر مراک جهان مانم • • ازین آرزو سرد گردان نام
 چنان کن بید خودم هم نفس • • که ناید بغیر از توام یاد کس
 برویم در معرفت باز کن • • دران خلوتم محرم راز کن
 ز جام صحبت رسان ماغرم • • وزان باده ده مستی دیگرم

چندان ساز مایل بمقبری مرا • که نبود تمناى دنیا مرا
اجل گر کند چاک پیراهنم • نگیسرد غبار جهان دامنم
چو تیغ اجل رخنه در جان کند • عزازیل آهنگ ایمان کند
ز رحمت بکن یکنظر سوی من • در لطف بکشای بر روی من
نویدی ده از لطف بخشایشم • که باشد در آن خواب آسایشم
چندان قوتی ده کزین اضطراب • شود بر من آسان سوال و جواب
چو خلق جهان رو بمحشر کنند • سراسیمه از خاک • و بر کنند
گرفتار عصیان ز بخت سیاه • سیه گشته روها ز شرم گناه
ز گرمای محشر دران اضطراب • شود سنگ آب از تف آفتاب
نباشد دران عرصه پسر ملال • پناهی بجز سایه در انجبال
بفضل خود ای صانع ذوالمنن • مرا سایه لطف بر سر من
چو میزان عدل آید اندر میان • که گردد کم و بیش هر کس عدیان
بود همسرهم کوههای گدازه • که در پیش آن کوه باشد چو کاه
چه باشد که از رحمت بیدگران • کنی پلغ طاعتم را گران
دران منزل پر ز خوف و خال • که پیران شود نامهای عمل
بود آن چنان نامه من سیاه • که نتوان دگر ثبت کردن گناه
بابر کسوم نامه ام را بشوی • وزان شست و شویم بده آبروی
چو از دوزخ آتش علم بر کشد • که خلق جهان را بدم در کشد
بزن آبی از لطف بر آتشم • وزان آتش آور برون بیغشم
چو بر روی دوزخ نماید صراط • بانغان در آیند خلق از نشاط
چو شبهای تاریک هجران دراز • چو دود دل عاشقان جان گداز
ببار یکی از سوی باریک تر • زدود شب هجر تاریک تر

ز شمشیر برنده برنده تر • زبان زان همچو نار هقز
نگبری اگر دست من وای من • بقعر جهنم شود جای من
بضاعت نیاردم الا امید • خدایا ز عفو من نا امید
الحمد لله والمنه که بعد از اندرون در چراغ و موختن دماغ ازین
عجانه فراخ حاصل آمد و چه قدر کشاکش از دست زمانه مشوش
کشید که این نقد وقت و این گوهر بی بها بدست افتاد انشاء
الله از خیانت بی صدیانتی بی دیانتی نا حفاظی چند محفوظ
ماند و همچنین از نهب و غصب طراران ابله روزگار مصون و
پیوسته در کف عصمت آلهی مختلفی بوده پیرایه قبول یابد و
زخمی از چشم احوال مختلف احوال بر آن نرسد دست قاصران
از دامن جمال این پیکر خیال کوتاه گرد و هر که نه محرم آن
باشد محروم شود • • بیت •

خدای جهان را هزاران حیا

که گوهر سپردم بگوهر شناس

و مرکوز خاطر فاطر عاطف و مکنون ضمیر کعبیر چنین بود که مفتوح
تاریخ کشمیر را با تواریخ سلاطین گجرات و بنگاله و سند و غرائب
هند جمع سازد و در یک شیرازه کشد اما چون آن قماش باین
قماش ندبتهی نداشت چه پیوند حریبا حیرامت بنابران بتاریخ
روز جمعه بدست رحوم از شهر جمیدالثانی سنه اربع و الف (۱۰۰۴)
طناب اطناب را کوتاه ساخته برین قدر اکتفا نمود و این قطعه
بعمل تعمیر تاریخ یافت که

• قطعه •

شکر لله که با تمام رسید • منتخب از کرم ربانی

مال تاریخ ز دل جستم گفت * انتخابی که ندارد ثانی (+)
الحمد لله علی توفیق الایمان ، و الصلوة و السلام علی خیر الانام ،
صیدنا محمد و علی آله و صحبه الکرام ، الی یوم القیام *

(+) لفظ - انتخاب - یکهزار و پنجاه و چار عدد دارد چون او ثانی
یعنی حرف دوم که نون همت نداشته باشد یکهزار و چار بماند ،

تمام شد

تصحیح افلاط منتخب التواریخ

صفحه	مطر	غلط	صحیح
۳	۱۲	لم یهددوا	لم یهددوا
۷	۱۱	تا سرانجام	تا سرانجام
۹	۱	درده	آردده
۱۲	۱۴	نخت	تخت
۱۳	۳	ویران	ویران
ایضا	۳	از برای	از برای
۳۵	۱۸	انچیکه در طبقات	انچه در طبقات
۴۱	۲۱	براد	بوار
۴۵	۳	ملازمت	ملازمت
۵۳	۱۰	نه	نی
۷۱	۱۱	ایستاده	ایستاده
ایضا	۱۳	کهری	کزی
ایضا	۱۴	کسر	کز
ایضا	۱۷	بمی	پس
ایضا	۱۸	چو	چه
ایضا	۲۰	کردی	گردی

صفت	مطر	غلط	صفت
۷۲	۱	بچار پار کنیم	بخار پار کنیم
ایضا	۲	پاره گیتی	پار گیتی
ایضا	۵	شد	شده
ایضا	۸	برگات	برکات
ایضا	۱۵	بجه نیز ازم	بجه نیز زم
ایضا	۱۶	دگرم	و گرم
ایضا	۱۸	صمت	هشت
ایضا	۲۰	نه	نی
۷۳	۱۰	پویان	پویان
ایضا	۱۶	نقیضه	نقیضه
ایضا	۱۸	باری	باری
۷۴	۱۰	آنکه	آنکه
ایضا	۱۱	کی	کن
ایضا	۱۷	نیاید	نیامد
۷۶	۱۸	موی	موی
۷۹	۷	موی	مور
۸۰	۱۲	صمت	صمت
ایضا	۱۷	وارم	وارم
۸۱	۳	تعویز	تعویذ
ایضا	۱۵	سهند کرک پویش	سهند گرگ پویش
ایضا	ایضا	برگرگ صمت	برگرگ صمت

صغیر	مطر	غاط	صحیح
ایضا	۱۸	پیشه	بیشه
۸۴	۷	گرگ مسمت	گرگ مسمت
ایضا	۸	گرگدائی پیغکند	برگزائی بفرکند
ایضا	۹	گرگ ناخن زهره گرگ	گرگ ناخن زهره گرگ
ایضا	ایضا	مهر مار	مهره مار
ایضا	۱۳	زادر	قادر
ایضا	۱۹	کرگ	کرک
۸۳	۴	جوشن کفشت	جوشن و کفشت
۸۵	۱۹	گردن	گردون
۸۶	۴	چندی فدای	فدائی چند
ایضا	۱۶	بجهته	بجهته
۸۷	۶	نصت	نصب
۸۸	۱۴	بنواجی	بنواحی
۸۹	۸	التمش	التیمش
ایضا	۲۰	پادشانه	پادشاهانه
۹۲	۷	بملازمت	بملازمت
۹۳	۲۱	دیگر	دیگر
۹۴	۱۲	عزة الکمال	عزة الکمال
ایضا	۱۶	بعزرا خان	بغراخان
ایضا	۱۷	این	ای
ایضا	۲۱	وارم	دارم

مغزیه	مطر	مطاط	مطایع
۹۵	۶	ایمنیت	اینت
ایضا	۷	میخواهم	میخواهیم
ایضا	۸	اندک	آن دل
ایضا	۱۳	ناخبرونیا	ناصر دینی
ایضا	۱۸	تابداز شاخ بیرون	نایداز شاخ بیرون
۹۶	۵	گل	گل
ایضا	۱۵	آویخته	ار پخته و
ایضا	۱۷	مملکت	ملکت
ایضا	۱۸	مگردانی	نگردانی
ایضا	۱۹	مک الملوک	ملک الملک
ایضا	۲۱	پرداز نگارم جنگ	پرداز نگارم جنگ
۹۷	۱	تپ	تپ
ایضا	۲	بت	تب
ایضا	۳	خونین	خونے
ایضا	۵	شکر	مشکن
ایضا	۱۷	پورده	برفوره
ایضا	۱۸	چون اندر معرض تعلیم	چواندر معرض تقلید
۹۸	۳	کرد	گرد
ایضا	۷	چو	چه
ایضا	۸	نشاید	نشاند
ایضا	ایضا	مخچر	حجر

صحبیح	غلط	۱۴	۹۹
برک	برو	۱۶	۱۰۰
انگامی	از گاهی	۱۸	۱
و هدر	بدر	۱۹	۲
پناه	تپاه	۱۱	۳
ازرق	ارزق	۱۷	۴
دکاندار بدکانچه	دوکاندار بدوکانچه	۲۱	۵
پرکار	پرکاره	۳	۶
بندگی و عجز	بندگی عجز	۶	۷
گه چون	گهء چون	۹	۸
ز خون	خون	۱۰	۹
حیه روی	حیه روی	۲۰	۱۰
نگوئی	نگوی	۵	۱۱
دادار	دارار	۶	۱۲
کام	کام	۷	۱۳
نعش	نفس	۱۳	۱۴
کوز	کور	۱	۱۵
نو	تو	۷	۱۶
پنج	پنج	۲۰	۱۷
جبینش	جیفش	۲۱	۱۸
بد از	بدار	۲	۱۹
نازینش	نازینش		۲۰

صنحه	سطر	غلط	صحیح
ایضا	۱۲	ثعبان	بعنان
ایضا	۱۴	بمشابه	بمذابه
ایضا	۱۹	جبلتش	جبلش
ایضا	۲۰	دل زین	دل ازین
ایضا	۲۲	جل	حبل
۱۰۴	۲	عزیمش	غریفش
۱۰۴	۳	گرمی	گرهی
ایضا	۴	دینش	دینش
ایضا	۶	چو	ز
ایضا	۸	بچرخ	زچرخ
ایضا	۱۰	شد	شده
ایضا	ایضا	همشیش	همنشیش
ایضا	۱۴	زود	زدو
ایضا	۱۹	جلال	حلال
ایضا	۲۱	طبرزد و	طبرزد
ایضا	۲۲	خور	چوز
۱۰۶	۳	آردی	آردی
۱۲۹	۳	کانهیر	کانهیر
۱۳۳	۱۸	اقتلوا	اقتلوا
۱۳۸	۲۰	چشم	چشم
۱۴۲	۸	علمهای	علمهای

صفحه	سطر	غلط	صحیح
ایضا	۱۴	رو بروی نوم و نوموی رسر بسو رو برو و موبومو و مو بسو	
۱۶۶	۱۲	همخوانگی	همخوانگی
ایضا	۲۲	همخانگی	همخانگی
۱۸۶	۱۳	یدق	یدق
۲۲۹	۱۰	هشتاد و هزار	هشتاد هزار
۲۵۲	۴	نهیب	نهب
۲۵۳	۵	ترگ	ترک
۲۸۴	۹	ملک اشرف	ملک الشرق
۲۸۶	۲	سکینه	سکپت
ایضا	۳	رای مو	رای میر
۳۳۹	۱۰	هرنگ	چونک
۳۶۵	۱۶	العبدی	العبد
۳۹۶	۶	زوشی	روشی
۴۲۳	۴	پاهی گران	پاهی گران
۴۶۲	۷	بمطنت	بسلطنت

جلد دوم از منتخب التواریخ

۸	۱۷	شاهزاده	شهرزاد
۱۰	۱	ارزق	ازرق
۱۶	۲	بو	بود

جلد سوم از منتخب التواریخ

صفحه	مطر غلط	صحیح
۱۶۹	۱۲	از دستانی
۲۴۰	۹	نکذک
۲۷۴	۱ - نوت - پیش	پیش
۳۰۵	۱۴	تغییر

۹۵۱۶

ع-۳
آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعمل
لی گئی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
صورت میں ایک آنہ یوہیہ دیرا نہ لیا جائے گا۔

۱۲۰۰
 ۱۶۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰